

Medical Rights of Children in Quran, Islamic Jurisprudence and International Law

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Aurhors

Rasol Rabbanikia^{1*}
Hossein Andalib²

How to cite this article

Rasol Rabbanikia, Hossein Andalib, Medical Rights of Children in Quran, Islamic Jurisprudence and International Law, Journal of Quran and Medicine. 2023;8(1):132-141.

1. Third-Level Graduate (MA), seminary, Qom, Iran (corresponding author).
2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: rasolrabbani@gmail.com

Article History

Received: 2023/04/06

Accepted: 2023/07/08

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this research is to examine and analyze the medical rights of children in the Quran, Islamic jurisprudence and international law with an emphasis on Quranic, jurisprudential and legal evidence.

Materials and methods: This research was conducted with the method of library studies and in a descriptive-analytical way, which was obtained and analyzed by referring to the Holy Quran and jurisprudential-legal evidences.

Findings: Children's medical rights are one of the most important discussions in the field of family medical rights. In this context, various legal schools have presented different views. In this article, he compares the views of two prominent and important legal systems; That is, the legal system of the Qur'an and Islamic Jurisprudence, which is the most comprehensive source of human guidance, and the Convention on the Rights of the Child, which is the foundation of the last human efforts of the 21st century in the international arena. In this article, we will compare the position of children's rights in two legal systems, in three basic, content and method areas. After the comparative examination of the two legal systems and considering the differences between them, it becomes clear that the rights of the child in the Qur'an have a higher and superior level than the Convention on the Rights of the Child; Because the convention, although it has positive and good points, has ignored some of the basic rights of the child.

Conclusion: For the health of the child, various aspects have been raised, including the health of the child during the fetal period and the pregnant mother, child nutrition, health and care of the child, support for children with congenital problems, insurance and social security, etc., but the status of the right Child over health in the religion of Islam and its followers in the laws and regulations of Iran and the Covenant of the Rights of the Child in Islam pay attention to previous generations, potential parents, mother's pregnancy and after the child's birth. This issue refers to the definition of a child in each of the four areas. In Islam, the child is concerned from birth, and the importance of protecting him based on religious principles goes back to previous generations, in a way that all people are responsible for respecting the rights, including the right to the health of potential future children, but in the Convention on the Rights of the Child, the definition of a child It is mostly related to after birth. Child care and visitation should be revised.

Keywords: Children's Medical Rights, Quranic Evidence, Jurisprudential Evidence, Right to Health.

حقوق پزشکی کودکان در قرآن، فقه اسلامی و حقوق

بین الملل

رسول ربانی کیا^۱

دانش آموخته سطح سه (کارشناسی ارشد) حوزه علمیه قم، ایران
(نویسنده مسئول)

حسین عندلیب^۲

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

*نویسنده مسئول: rasolrabbani@gmail.com

مقدمه

امروزه مباحث حوزه خانواده و زیر شاخه های آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اگر چه بحث در این حوزه از دیرباز وجود داشته است اما با توجه به تحولات عصری و چالش هایی که انسان قرن بیست و یکم با آن روبرو است این حوزه همچنان مورد توجه و کنکاش بیشتری قرار گرفته است و اهمیت بیش از پیش آن، از جمله مباحث حوزه خانواده حقوق و وظایف هر یک از اعضای خانواده می باشد و به دلیل اینکه کودک ضعیف ترین و شاید مهم ترین عضو خانواده است، حقوق او از مهم ترین حقوق انسانی است. زیرا؛ اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه ای برخوردار نباشند نمی توانند در سایه این حقوق از صحت و سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده و حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند. لذا مباحث حقوق کودک از مسایل ریشه ای و مهم است که در میان انبوه دیگر مسائل علوم انسانی اهمیت به سزایی برخوردار است.

بخش اول: مفهوم کودک در فقه

مفهوم کودک در فقه

بلوغ در لغت به معنی رسیدن به امری است (۱) در خصوص بلوغ و تشخیص این مرحله نیز فقهای معیارهای مختلفی را ارائه نموده اند احتلام، روئیدن موهای زبر در عورتین و رسیدن به سن ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران علائم و اماراتی است که بروز هر یک از نظر فقها موجب بلوغ فرد می باشد. علاوه بر آن اکثر فقها احراز رشد را نیز در مفهوم عام، صغیر محسوب می کنند.

طبق نظر اکثر فقهای شیعه، سن بلوغ در دختر ۹ سال و در پسر ۱۹ سال است مگر آنکه علائم دیگر بلوغ که احتلام و در آمدن موهای زهار و ... می باشد قبل از رسیدن به این سن ظاهر گردد. مقصود از بلوغ در اسلام، بلوغ جنسی است، یعنی رسیدن پسر و دختر به سنی که آلت تناسلی آنها به حد کمال رسیده باشد و به طور طبیعی بتوانند تولید نسل نمایند و هر گاه به این حد از کمال نرسند بالغ نیستند و احکام تکلیفی و وضعی متوجه آنها نمی شود (۲).

در فرآیند حمایت از کودک متضرر آزار، اولین بخش که به چشم می آید، قلمرو سیاست جنایی

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش آن است که حقوق پزشکی کودکان در قرآن، فقه اسلامی و حقوق بین الملل را با تاکید بر ادله قرآنی، فقهی و حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد
مواد و روش ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به قرآن کریم و ادله فقهی - حقوقی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: حقوق پزشکی کودکان یکی از مهم ترین بحث ها در حوزه حقوق پزشکی خانواده می باشد. در همین زمینه، مکاتب گوناگون حقوقی دیدگاه های متفاوتی ارائه داده اند. در این مقاله به مقایسه دیدگاه های دو نظام حقوقی مطرح و مهم می پردازد؛ یعنی نظام حقوقی قرآن و فقه اسلامی که جامع ترین منبع هدایت بشر است و کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش های انسان قرن بیست و یکم در عرصه بین الملل می باشد. در این نوشتار، به بررسی تطبیقی جایگاه حقوق کودک در دو نظام حقوقی، در سه حوزه مبنایی، محتوایی و روشی می پردازیم. پس از بررسی تطبیقی دو نظام حقوقی و ملاحظه تفاوت های آن دو، روشن می شود که حقوق کودک در قرآن از سطح فاخرتر و برتری نسبت به کنوانسیون حقوق کودک برخوردار است؛ چرا که کنوانسیون گرچه دارای نقاط مثبت و خوبی است، اما برخی از حقوق اصلی کودک را نادیده گرفته است.

نتیجه گیری: برای سلامتی کودک جوانب مختلفی از جمله سلامت کودک در دوران جنینی و مادر باردار، تغذیه کودک، بهداشت و مراقبت از کودک، حمایت از کودکان دارای مشکلات مادرزادی، بیمه و تأمین اجتماعی و... را مطرح کرده اند، اما وضعیت حق کودک بر سلامت در دین اسلام و پیرو آن در قوانین و مقررات تقنینی ایران و میثاق حقوق کودک در اسلام، نسل های پیشین، والدین بالقوه، دوران بارداری مادر و بعد از تولد کودک را مورد توجه قرار می دهند. این موضوع به تعریف از کودک هر یک از چهار عرصه برمی گردد. در اسلام، کودک از نطفگی مورد توجه است و اهمیت حمایت از او بر اساس مبانی دینی به نسل های پیشین برمی گردد، به شکلی که همه افراد مسؤول رعایت حقوق از جمله حق بر سلامت کودکان بالقوه آینده هستند، اما در کنوانسیون حقوق

در فرآیند حمایت از کودک متضرر آزار، اولین بخش که به چشم می آید، قلمرو سیاست جنایی

تضمینی است. حقوق کیفری به عنوان منعکس کننده ارزش های بنیادین حاکم بر جامعه علاوه بر نقش آموزش و فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد، می تواند به عنوان عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در برابر ارتکاب برخی رفتارها ایفای نقش نماید.

توجه به عالیتین منافع کودک حق اوست. تمامی اقداماتی که از طریق موسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی اتخاذ میگردد، باید بر اساس توجه به این حق صورت گیرد. هر کودکی حق زندگی و حیات دارد، بنابراین جهت بهبود وضعیت جسمانی و روحی و روانی وی خصوصاً در مواقعی که مورد آزار واذیت روحی، جسمی و یا جنسی قرار گرفته باید اقدامات مؤثری در محیطی که سلامت روح و جسم کودک تقویت می شود فراهم گردد (۳)

حمایت کودکان در تأمین باروری خانواده و ادامه شعائر خانوادگی لازم بود تا اشخاصی که فرزند

ندارند، بتوانند برای خود جانشینی تعیین کنند و نام خانوادگی و دارائی خود را به او منتقل نمایند، آنان را داخل در خانواده خود کنند. باید گفت علیرغم این که خانواده مهمترین و مقدم ترین نهاد اجتماعی برای تربیت، آموزش و حمایت کودکان است اما همین نهاد می تواند عرصه ای برای بروزخسونت و درد و رنج باشد.

میلیونها کودک در محدوده دیوارهای خانواده خود رنج میکشند و از آنجا که امنترین مکان برای کودک، خانواده تلقی میگردد جای هیچگونه شک و تردید نیست که عواقب آن میتواند بسیار

ناخوشایند باشد و این در حالی است که این کودکان از کمترین حمایت حقوقی، اقتصادی و اجتماعیرخوردارند.

بنابراین با توجه به موضوع خسونت خانوادگی و وقوع جرم در خانواده، وضع قوانین ماهوی با دوشاخه عمده و تاثیر گذار مدنی و کیفری، نقش مهمی در حمایت از کودکان بزه دیده برعهده دارند.

کوتاهی در تصویب قوانین حمایتی از کودکان، آن ها را در موقعیتی دشوار قرار می دهد در حالی که وضع قوانین حمایتی قابل اجرا، مشوق کودکان در اعلام جرم خواهد بود.

فرق طفل آزاردیده و طفل بزه دیده در این است که برخوردی که موجب وارد آمدن آسیب جسمی یا روحی به کودک می گردد. مثلاً ترک فعل مادری که به هنگام بیماری فرزندش، وی را نزد پزشک نمی برد، اما کودک بزه دیده کودکی است که علیه او لزوماً جرمی صورت گرفته باشد.

مقنن در رابطه با محدوده سنی اطفال، سه نوع راهکار ارائه داده است:

الف) قوانینی که در آن ها به ذکر عناوین صغیر، نابالغ، طفل، کودک و امثال آن بسنده و به سن خاصی اشاره شده است، از جمله می توان به مواد ۲۲۸، ۲۵۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۴۶۹، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۳۳، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳ و ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی

تضمینی است. حقوق کیفری به عنوان منعکس کننده ارزش های بنیادین حاکم بر جامعه علاوه بر نقش آموزش و فرهنگی که در تقبیح برخی رفتارها دارد، می تواند به عنوان عاملی بازدارنده و پیشگیرانه در برابر ارتکاب برخی رفتارها ایفای نقش نماید. توجه به عالیتین منافع کودک حق اوست. تمامی اقداماتی که از طریق موسسات و نهادهای دولتی و غیردولتی اتخاذ می گردد، باید بر اساس توجه به این حق صورت گیرد. هر کودکی حق زندگی و حیات دارد، بنابراین جهت بهبود وضعیت جسمانی و روحی و روانی وی خصوصاً در مواقعی که مورد آزار واذیت روحی، جسمی و یا جنسی قرار گرفته باید اقدامات مؤثری در محیطی که سلامت روح و جسم کودک تقویت می شود فراهم گردد (۳)

حمایت کودکان در تأمین باروری خانواده و ادامه شعائر خانوادگی لازم بود تا اشخاصی که فرزند

ندارند، بتوانند برای خود جانشینی تعیین کنند و نام خانوادگی و دارائی خود را به او منتقل نمایند، آنان را داخل در خانواده خود کنند. باید گفت علیرغم این که خانواده مهمترین و مقدم ترین نهاد اجتماعی برای تربیت، آموزش و حمایت کودکان است اما همین نهاد می تواند عرصه ای برای بروزخسونت و درد و رنج باشد.

میلیون ها کودک در محدوده دیوارهای خانواده خود رنج می کشند و از آنجا که امن ترین مکان برای کودک، خانواده تلقی می گردد جای هیچگونه شک و تردید نیست که عواقب آن می تواند بسیار ناخوشایند باشد و این در حالی است که این کودکان از کمترین حمایت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. بنابراین با توجه به موضوع خسونت خانوادگی و وقوع جرم در خانواده، وضع قوانین ماهوی با دو شاخه عمده و تاثیر گذار مدنی و کیفری، نقش مهمی در حمایت از کودکان بزه دیده برعهده دارند.

کوتاهی در تصویب قوانین حمایتی از کودکان، آن ها را در موقعیتی دشوار قرار می دهد در حالی که وضع قوانین حمایتی قابل اجرا، مشوق کودکان در اعلام جرم خواهد بود. فرق طفل آزاردیده و طفل بزه دیده در این است که برخوردی که موجب وارد آمدن آسیب جسمی یا روحی به کودک می گردد. مثلاً ترک فعل مادری که به هنگام بیماری فرزندش، وی را نزد پزشک نمی برد، اما کودک بزه دیده کودکی است که علیه او لزوماً جرمی صورت گرفته باشد.

گاه بزه دیدگی کودک، با قربانی واقع شدن تداخل پیدا می کند، مثلاً اگر یک کودک یا نوجوان پانزده ساله معتاد باشد از نظر قانون جرم است ولی ممکن است خودش قربانی خانواده، مدرسه و ... باشد و یا اعتیاد او به خاطر خطاکاری و فساد خانواده باشد، این کودک در اینجا بزه دیده نیست بلکه به خاطر معتاد بودن بزهکار است اما قربانی رفتار ناشایست والدین و کوتاهی مدرسه در وظیفه تربیت به شمار می رود (۴)

قوانین حمایتی از کودک در قوانین ماهوی

اشاره نمود. در این گونه موارد با توجه به تعریفی که در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ذکر گردیده است می توان دختران زیر ۹ سال تمام قمری و پسران زیر ۱۵ سال قمری را کودک قلمداد کرد. بنابراین قانونگذار اگر حمایتی از اطفال بطور خاص نموده باشد، این حمایت مختص افراد فوق خواهد بود.

ب) دسته دوم قوانینی هستند که در آن ها بدون این که مصداق از صغیر و کبیر باشد، سن تصریح گردیده است، مانند ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی که در این ماده اشاره شده اگر سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، موجب تشدید مجازات مرتکب خواهد شد و یا مطابق ماده ۷۹ و ۱۷۶ قانون کار به کارگماردن افراد کمتر از پانزده سال جرم محسوب و تحت شرایطی مرتکبین به مجازات های مقرر محکوم خواهند شد.

ج) مواردی که قانونگذار بدون اشاره به طفل بودن، افراد زیر ۱۸ سال را مشمول حمایت های کیفری خاص نموده است بر اساس ماده ۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذرماه ۱۳۸۱ کلیه»

اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده اند از حمایت های قانونی مذکور در این لایحه بهره مند می شوند مقنن در لایحه فوق هر چند به تصریح، افراد زیر ۱۸ سال را کودک محسوب نکرده است اما با توجه به عنوان و سایر مواد لایحه مذکور مشخص می شود که افراد زیر ۱۸ را کودک دانسته است. حقوق جزا نیز از کودک آزاری « کودک و نوجوا » چرا که چندین بار از اصطلاح تعریف نکرده است و برخی از مصادیق آن را نام برده است.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، درباب دوم قانون مجازات عمومیمصوب ۱۳۰۴ و اصلاح شده در ۱۳۵۲ به جنجه و جنایت نسبت به اطفال اختصاص داشت. در مواد ۱۹۵ الی ۲۰۳ این قانون به برخی از جرائم علیه اطفال اشاره شده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با تصویب قانون تعزیرات ۱۳۶۲ قسمتی از آن تحت عنوان جرائم علیه اطفال را مورد توجه قرار داد. در سال ۱۳۷۵ و متعاقب آن در سال ۱۳۹۲ نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی، عنوان فوق در فصل هفدهم از کتاب پنجم همین قانون حفظ گردیده، عنوانی که تنها در زیر مجموعه آن مواد ۶۱۹، ۶۳۱، ۶۳۲ و ۶۳۳ به برخی جرائم علیه اطفال اختصاص داشت.

گاه کودک بودن قربانی (آزار دیده) را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید می داند. درمورد جرائم یکسان علیه کودکان و بزرگسالان، قانونگذار بیشتر از سازوکار کیفرگذاری (تشدید کیفر) استفاده نموده است. (۵)

قوانین حمایت از کودک در برابر آزار جسمی

به هر گونه رفتارها و عمل عمدی که منجر به صدمه جسمی به کودک گردد آزار جسمی گفته می شود.

این آسیب ها شامل کتک زدن، گاز گرفتن، سوزاندن، مجروح کردن، بریدن، کبودی ها، شکستگی ها و... میشود.

والدین سرمشق و راهنمای اصلی کودکان هستند، وقتی این کودکان رفتار ناهنجاری را از آنها مشاهده کنند، آن را سرمشق خود قرار میدهند. مردم جامعه ما معتقد بر این امر هستند که مشکلات اقتصادی، چند شغله بودن و عدم توانایی در اداره زندگی، افراد را کم حوصله کرده است و به همین خاطر مآشاهد نزاعهای بی شمار خیابانی هستیم که بعضی از آن ها خواه و ناخواه منجر به حوادث ناگواری می شوند. در مقابل کارشناسان معتقدند اگر در این شرایط ابزارهای رسمی کنترل هم به سمت درگیری بامشکلات و کاهش اقتدار در رسیدگی به وظایف بروند، کنترل اجتماعی به تنهایی نمی تواند حداقل در کوتاه مدت ثمر ثمر باشد (۶).

بنابراین در این خصوص آنچه که مهم به نظر می رسد حمله و رفتار آگاهانه و عمومی والدین مشمول آزار جسمی قرار می گیرد. حال غفلت و مسامحه والدین نسبت به کودک از شمول آزار جسمی خارج می باشد.

اولیای قانونی به پدر، جد پدری، وصی منصوب از طرف یکی از آنها و نیز به قیم هم گفته می شود.

مراد از سرپرستان، زن و شوهری هستند که با توافق یکدیگر و به موجب قانون، کودکی را به سرپرستی پذیرفته اند (۷).

بنابراین در این مبحث به موارد آزار و اذیت جسمی به کودکان و اطفال خواهیم پرداخت. با توجه به این که کودک در این جهان حق حیات دارد بنابراین می بایست در برابر آزارهای جسمی که نسبت به وی از سوی والدین و یا دیگران صورت می گیرد حمایت های خاصی از سوی قانونگذار لحاظ گردد.

بدیهی است حمایت قانونگذار به دو صورت می باشد: حمایت افتراقی و حمایت غیرافتراقی منظور از حمایت افتراقی حمایتی است که قانونگذار با توجه به شرایط و وضعیت خاص قربانی یا آسیب دیده انجام میدهد.

منظور از حمایت غیرافتراقی این است که قانونگذار بدون توجه به وضعیت خاص آسیب دیده حمایت را انجام میدهد. بنابراین در همین راستا می بایستی امنیت کودکان و نوجوانان تأمین گردد و مورد توجه متولیان نظام سیاست جنایی قرار گیرد. به همین دلیل بدون انجام اقدام های حمایتی افتراقی لازم برای کودکان بزه دیده، اجرای عدالت ممکن نخواهد بود. از جمله اقدام های حمایتی افتراقی می توان به استماع غیرعلنی، محفوظ داشتن هویت بزه دیده و یا محفوظ ماندن شهود و یا ارائه ادله اثباتی از طریق ابزارالکترونیک اشاره کرد.

قتل عمد

قصاص مجازاتی است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. بنابراین چنانچه جنایت به وسیله کودک ارتکاب یابد قتل عمد محسوب نشده بلکه خطای محض بوده (بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی) و مرتکب که کودک می باشد قصاص نخواهد شد همچنین در مواردی که طفل و کودک توسط شخص بالغی، اکراه به ارتکاب قتل می شود، قانونگذار طفل را چه ممیز و چه

نداشته ولیکن نسبت به شخص مجنی علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود یا در امکان عمومی بمب گذاری کند. در ادامه ماده ۳۸۷ جنایت هر: « قانون مجازات اسلامی، در خصوص جنایت بر عضو مقرر می دارد.» عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه های وارد بر منافع است مقنن در ایراد ضرب و جرح و قطع عضو عمدی علیه کودکان در مواردی در قانون مجازات اسلامی اشاره نموده است از جمله ماده ۴۱۱ و ۴۱۴ قانون مجازات اسلامی پیرامون قصاص، زبان گویا در برابر زبان کودکی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده است اشاره دارد. قانونگذار در بحث ایراد ضرب و جرح و قطع عضو از سه شیوه استفاده نموده است:

۱. شیوه مبتنی بر رعایت اصل تساوی در مجازات محکوم به ضرب و جرح کودکان که می توان به- ماده ۳۹۴ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود.

۲. شیوه مبتنی بر تشدید مجازات محکوم به ضرب و جرح کودکان. در این مورد می توان به ماده - ۴۱۱ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود که به تشدید مجازات مرتکبین و حمایت از کودکان اشاره دارد.

۳. شیوه مبتنی بر تخفیف مجازات محکوم به ضرب و جرح کودکان. در این خصوص ماده - ۴۱۶ قانون مجازات اسلامی نمونه ای از تخفیف مجازات را بیان می کند. در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در ماده ۱۰ هرگاه بی احتیاطی، بی مبالاتی، آمده است مهارت یا عدم رعایت نظامات از سوی والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان یا اشخاصی که مراقبت از کودک و نوجوان را بر عهده دارند و یا در امور مربوط به کودکان و نوجوانان فعالیت می نمایند، منتهی به نتایج زیر شود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات حسب مورد به شرح زیر مجازات می شود:

الف) فوت، دو تا پنج سال حبس
ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کار افتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری
صعب العلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائفه یا بالاتر، یک تا سه سال حبس.

ج) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضا و یا بروز بیماری روانی، شش ماه تا یک سال
د) جراحت سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای ب و ج، سه ماه و یک روز تا شش ماه.

د) سایر صدمات، پنج تا پنجاه میلیون ریال جزای نقدی
البته ماده ۱۱ هر کس مرتکب قتل عمد یا ضرب و جرح عمدی : «لایحه یاد شده اشاره دارد به این که کودک یا نوجوان شود و به هر عللی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات،

غیر ممیز، از قصاص معاف دانسته بنابراین مطابق تبصره ۱ ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی اگر اکراه شونده طفل غیرممیز باشد فقط اکراه کننده را محکوم به قصاص دانسته و برابر تبصره ۲ ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد، عاقله طفل می بایست دیه مقتول را پرداخت نماید و طفل معاف از قصاص می باشد. چرا که طفل ممیز حسن و قبح عمل خویش را تشخیص می دهد. بنابراین آن چه که در بحث قتل عمد گفته شد می توان از اقدام های حمایتی افتراقی مقنن از کودک به شمار آورد.

برجسته ترین حمایت غیرافتراقی مقنن در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشاره شد، در بند الف و ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی اشاره شد قتل در موارد زیر عمدی است:
الف) هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود و یا نظیر آن...
ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می گردد هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود.

از این دو شق می توان به حمایت غیرافتراقی از تمامیت جسمی کودک رسیده چرا که در این مورد هیچ خصوصیت خاصی در افراد معین یا غیرمعین اشاره نشد، و جنایت بر زن یا مرد، پیر یا خردسال تأثیری در نوع قتل نخواهد داشت. به نظر میرسد که در شق ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، مقنن با توجه به وضعیت خاص مجنی علیه حمایت بیشتری از آسیب دیده ضرورت دیده است چرا که برخلاف شقوق الف و ب و ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، در این بند مقنن با توجه به آسیب پذیر بودن برخی اقدار جامعه، حمایت بیشتری از این گروه را ضروری دانست.

ضرب و جرح و قطع عضو عمدی
به نظر می رسد که شرایط سخت و گاهی دلهره آور در جامعه ما به خصوص برای نوجوانان و جوانان راه را برای بسیاری راههای مشروع برای رسیدن به اهداف بسته است و حتی ابداع و نوع آوری نیز برای سرک کشیدن در این محیط نیاز به دسترسی به امکانات و شرایط خاصی دارد تا بتواند عمومی شود و از حالت فردی بیرون آید. باز به نظر می رسد یکی از ساده ترین راهها که برای رهایی از فشارمشکلات ناخواسته به افراد تحمیل می شود، درگیر شدن با دیگران به بهانه های مختلف و گاه جزئی است.
(۷)

قانونگذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی جنایت عمدی را در چهار مورد برشمرده، به طور خلاصه هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و یا عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده باشد و یا قصد ارتکاب جنایت

حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.

تبصره یک ماده ۱۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اشاره دارد به این که مرتکب موضوع ماده ۱۱ لایحه یاد شده مشمول قواعد تعلیق اجرای مجازات، تخفیف قانونی یا قضایی و آزادی مشروط نخواهد شد.

تبصره دو ماده ۱۱ همین لایحه می گوید، هر گاه جرائم موضوع این ماده با استفاده از سلاح گرم یا سرد، اسید یا سم صورت گیرد، مرتکب حسب مورد به حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم می شود.

بنابراین، تنبیهی هم که معلم و استاد در حدود متعارف نسبت به شاگردان به عمل می آورند، جنبه مجرمانه ندارد و مستوجب مجازات نمی شود (۸)

حمایت از آزار روحی

مقنن در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ هر گونه شکنجه و اذیت و « به عنوان کلی اشاره نموده است و متعاقب آن در لایحه یاد « آزار کودکان که موجب صدمه جسمی و روحی گردد

شده در مواد ۱۰ و ۱۱ و ... نیز به آزار و اذیت روحی و روانی کودک اشاره کرده است. بدیهی است آزار و اذیت روحی و روانی کودک موجب خشونت و سرکشی وی، که این امر نیز در پایان کودک ویا نوجوان را بزهکار و مجرم خواهد ساخت.

خشونت و سرکشی به عنوان یک پدیده ناهنجار اجتماعی از خصائص رفتاری نوجوانان امروز در جوامع صنعتی به شمار میرود. بر همین اساس و با توجه به تحلیل روانشناختی، از مرحله ی بلوغ در نوجوانان تحت عنوان بحران بلوغ یاد می شود که گذر از این دوران نه تنها برای نوجوانان توأم با تنش های شدید روحی، جسمی و روانی است، بلکه برای خانواده ی نوجوان و همچنین متصدیان و مرتبطنین با امور نوجوانان از جمله محیط های آموزشی، ورزشی و اجتماعی درگیر این پدیده و نحوی برخورد با آن، خطرناک هستند (۹).

در قوانین ایران و قانون مجازات اسلامی، مقنن تاکنون جرمی تحت عنوان شکنجه جسمی و روحی افراد نسبت به یکدیگر اشاره نموده و فقط در مواد ۵۷۸ و ۵۸۷ قانون مجازات اسلامی اذیت و آزار بدنی شخص محبوس شده یا مخفی شده را جرم دانسته و برای فرد یا افراد مرتکب، مجازات در نظر گرفته است.

بنابراین مقنن با توجه به اهمیت موضوع و حمایت از صدمه روحی و روانی کودکان در ماده ۱۰ و ۱۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به یک نوآوری دست زده است.

ماده ۲۴۵ قذف عبارت است از نسبت دادن: « قانون مجازات اسلامی قذف را چنین تعریف نموده است. زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مرده باشد در خصوص ثبوت قذف ماده ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی اشاره می دارد که قذف شونده هنگام قذف بالغ، عاقل، مسلمان، معین و ... باشد. بنابراین یکی از شرایط ثبوت حد قذف بلوغ قذف شونده می باشد.

استفاده نامشروع از کودک در زمینه مواد مخدر کودکان و نوجوانان به لحاظ موقعیت اجتماعی و وضعیت آسیب پذیر جسمانی بیشتر از سایرین در معرض خطر ابتلا به اعتیاد و مواد مخدر قرار دارند. از این رو آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی در پیشگیری از اعتیاد کودکان دارد، به طوری که در همین راستا وظایفی بر عهده آموزش و پرورش در ماده ۵ آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر در نظر گرفته شده که می توان به برخی از آن ها اشاره نمود:

۱. افزایش آگاهی پرسنل اداری و آموزشی، دانش آموزان و انجمن اولیاء و مربیان جهت پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر
۲. شناسایی دانش آموزان و اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از اعتیاد. البته در خصوص دانش آموزانی که والدین آن ها قاچاق و یا اعتیاد به مواد مخدر را دارند نیز شامل می شود.

۳. مقنن در سال - ۱۳۶۷ در ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر حمایت خاصی از کودکان نموده بود به طوری که در ماده ۱۸ هر گاه شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد: « اشاره شدوی به مواد مذکور در ماده ۸ شده باشد برای بار اول به ۵ تا ۱۰ سال و برای بار دوم به ۱۰ تا ۲۰ سال اما قانونگذار در اصلاحات سال « حبس و در صورت تکرار به حکم اعدام محکوم خواهد شد ۱۳۷۶ ماده ۱۸ را حذف نموده است ولیکن با توجه به اهمیت موضوع و بازنگری در قانون لازم به نظر می رسد.

حمایت از کودکان آزار دیده در حقوق کیفری شکلی کودکان به لحاظ موقعیت آسیب پذیری که از نظر جسمی، روحی و روانی دارند بعد از تحقق آسیب و آزار، نیازمند حمایت بیشتری می باشند. بنابراین مقنن می بایست راهکاری ارائه دهد تا از آسیب پذیری مجدد کودکان جلوگیری شود و از طرف دیگر خسارت های مادی و معنوی که به کودکان وارد شده با توجه به حمایت های خاص و روند رسیدگی به شکایت و پرونده های کودکان، جبران گردد.

حمایت مناسب تر در قوانین شکلی بیشتر حقوق دانان معتقد هستند میبایست از لحاظ شکلی حمایت بیشتری از کودکان به عملآید به عنوان مثال اگر چه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان خلأ زیادی دارد ولی با همین خلأ موجود چنان چه قانون به طور صحیح و کامل اجرا شود میتواند از شیوع بی رویه کودکان آزاری جلوگیری کرد.

همچنین بند ت ماده ۱۵۸ اقدامات والدین و اولیای قانونی « قانون مجازات اسلامی اشاره دارد به این که و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب و محافظت آنها انجام میشود، مشروط بر اینکه در اینجا نکته ای وجود دارد. « اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد. و آن این که در صورتی که پدر و مادری از حدود متعارف تنبیه تجاوز نکنند بابت تنبیه مجازات نمی شوند.

از شرایط مندرج در ماده ۴۵ لایحه یاد شده، جبران زیان های ناشی از جرم یا ترتیب جبران آن است که در بند ح ماده ۴۵ لایحه مذکور صراحتاً به آن اشاره شده که مرتکب بزه علیه کودک و نوجوان می بایست زیان یا زیان های وارده به کودک را جبران نماید.

البته اگر چه بر اساس قوانین کیفری، اطفال فاقد مسؤولیت کیفری هستند و از مجازات معاف می باشند. ولی برای جلوگیری از تکرار بزهکاری و حمایت از جامعه و اطفال در برابر جرایم مجرمان، ضروری است اقدامات موثرتری در جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار به عمل آید.

قانونگذار ایرانی در خصوص اصلاح و تربیت کودکان، اعزام به کانون اصلاح و تربیت را در قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ مقرر داشته است. این تدابیر با هدف بهبودی حسن اخلاق طفل و به صورت تسلیم به اولیاء یا سرپرستان یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل و اعزام به کانون اصلاح و تربیت پیش بینی شده است. مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در ماده ۴۹ و تبصره ۲ آن، اشاره داشته به این که چون افراد در صورت ارتکاب جرم میرا از مسؤولیت کیفری هستند تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد. و تنبیه بدنی اطفال در صورت ضرورت می بایست به میزان و مصلحت باشد بنابراین تدبیر اعزام به کانون اصلاح و تربیت در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ نیز اشاره گردید.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۹ و ۱۴۸ اشاره گردیده که افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند و در صورت ارتکاب جرم بر اساس قانون مجازات اسلامی اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود. که قبلاً به چندین مورد از اقدامات تأمینی و تربیتی اشاره کردیم.

در قوانین و مقررات ایران در دوره های مختلف، واکنش های تنبیهی گوناگونی مقرر شده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب کلیه جرایم، مجازات بدنی شلاق ۱۰ تا ۵۰ ضربه و برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جنایت، حبس در دارالتأدیب تا ۵ سال و در صورت ارتکاب جنحه، حبس زیاده از نصف حداقل و

کمتر از نصف حد اعلای مدت مقرر برای مرتکب بزرگسال مقرر شده بود. قانون تشکیل اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ و اصلاح قانون مجازات عمومی سال ۵۲، صرفاً واکنش تنبیهی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را بر حسب نوع جرم ارتکابی و سطوح مختلف سنی پیش بینی کرده بود. (۹)

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چند واکنش تنبیهی در نظر گرفته شده که شامل: نگهداری در کانون اصلاح و تربیت که در ماده ۴۹ همین قانون اشاره شده، تنبیه بدنی به میزان و مصلحت (تبصره ۲ ماده ۴۹)، تنبیه بدنی یا شلاق (ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰)، ضمان عاقله و جبران خسارات ناشی از بزه قتل و ضرب و جرح از سوی نابالغ در قانون مجازات

در این خصوص اداره حقوقی قوه قضائیه توصیفی از تنبیه متعارف دارد این است که تنبیه متعارف آن است که باعث تغییر رنگ پوست نشود. بنابراین لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان می گوید که آزار جسمی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت جسمی و بهداشت آن ها ممنوع است.

با مقایسه بندت ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان می توان به این نتیجه رسید از آنجایی که هدف اصلی و اساسی مقنن و دولت، سلامت جسم و روح و روان و بهداشت کودکان می باشد بهتر است قضات محترم دادگستری ها لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان را برای خاطیان و مجرمان اعمال کنند.

اجرای حکم کودکان

دادگاه در این مرحله میتواند حکم به سلب حق ملاقات، حضانت، ولایت و یا سپردن موقت یا دائم کودک و نوجوان به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوط و یا معرفی کودک و نوجوان یا خانواده او به سازمانها و نهادهای دولتی و غیردولتی و یا سپردن سرپرستی کودک و نوجوان طبق مقررات مربوط به سرپرستی کودکان فاقد سرپرست دهد.

در این خصوص ماده ۴۷ مددکاران بهزیستی یا لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مقرر میدارد واحد حمایت دادگستری با نظارت مرجع قضایی و در صورت لزوم بهرهگیری از خدمات سایر اشخاص و نهادهای مربوط، بر نتایج اقدامات و دستورات صادر شده نظارت نموده و انجام صحیح و مناسب آنها را پیگیری می کنند.

واحد حمایت دادگستری و یا مددکاری اجتماعی بهزیستی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد چرا که مبنای گزارش واحد یاد شده می تواند بر ایجاد در تغییر وضعیت کودک یا والدین و اولیاء در تصمیمات و احکام خود بازنگری و تجدیدنظر نماید و کودک را به محیط خانواده برگرداند.

وجود مددکاران بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری به این خاطر است که می بایست نهادی باشد که بر آراء صادره دادگاه ها نظارت داشته تا آراء یاد شده به طور صحیح و در منافع حقوق کودک و نوجوان و حمایت از آن ها اجرا گردد.

وجود این دو نهاد یاد شده (مددکاران اجتماعی بهزیستی و واحد حمایت دادگستری) آن قدر حائز اهمیت می باشد که دادگاه صادر کننده حکم می تواند با در نظر گرفتن گزارش این دو نهاد مبنی بر تغییر در وضعیت کودکان و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی در تصمیمات صادر شده در مورد سرپرستی، نگهداری و ملاقات کودکان بازنگری و تجدیدنظر نماید.

دادگاه می تواند حکم بر نگهداری دائم و یا انتقال موقت کودک و نوجوان به مراکز مربوط از قبیل خانه های امن کودک و یا واحدهای شبانه روزی و مراکز مداخله در بحران و بازپروری و توانبخشی سازمان بهزیستی صادر کند. (۱۰)

همان طوری که در ماده ۴۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اشاره شد و در شرایط تعویق صدور حکم و تعلیق ذکر شد، یکی

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در خصوص تنبیه کودکان در مواد مختلفی اشاره گردید:

- ماده ۱۴۸ قانون یاد شده اشاره دارد به این که در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود. بند ۱ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ اشاره دارد به این که چنان چه اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار که به منظور تأدیب یا حفاظت آن ها انجام می شود.

مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد قابل مجازات نخواهد بود.

- زنا با محارم نسبی و زنا با محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است (ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی) بنابراین مقنن نابالغ بودن زانی را از موارد تخفیف مجازات برای زانیه در نظر گرفته است در حالی که قانونگذار فریب و اغفال زانی توسط زانیه را مدنظر قرار نداده است.

- به نظر میرسد مقنن در بحث لواط، تضحیح، تقبیل و مساحقه فرقی بین کودکان و بزرگسالان در نظر نگرفته و مجازات همه افراد را یکسان لحاظ نموده است.

- در بحث اکراه در قتل، چنان چه اکراه شونده طفل غیرممیز باشد فقط اکراه کننده قصاص می شود و چنان چه اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می پردازد و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می شود. (تبصره ۱ و ۲ ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

- چنان چه جنایت به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد جنایت خطای محض محسوب شده و عاقله عهده دار پرداخت دیه می باشد. (بند ۲ ماده ۲۹۲ و ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

- بدیهی است چنان چه دیه کمتر از موضعه باشد عاقله مسؤول پرداخت دیه نمی باشد (ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

- ذکر این مطلب حائز اهمیت می باشد که در پیشگیری و اصلاح و تربیت و تنبیه کودکان و نوجوانان، باید مصالح و منافع عالی حقوق کودکان و نوجوانان مورد عنایت قوای قضائیه و مجریه و همچنین مورد توجه والدین و سرپرستان قانونی قرار گیرد.

هدف اصلی دین، تربیت است. همه ابعاد وجود انسان در بستر تربیت او شکل می پذیرند. تربیت براساس موازین قرآن کریم بر پایه دو اصل کلی خوف و رجاء شکل می یابد. در امر تربیت کودک، تنبیه او از مهمترین مظاهر اصل خوف محسوب می شود. در ذیل مبحث مقدار خوف و رجاء و نسبت متقابل آنها در تربیت کودک، موارد غیر جایز تنبیه بدنی، موارد جایز آن، شرایط و چگونگی حکم آنها لزوماً بررسی میشود. ابعاد مختلف تنبیه بدنی و ضرورت نگاه به آن در تعامل با نظام جامع تربیت، ایجاب می کند که حکمی همه جانبه و قابل انعطاف برایش در نظر گرفته شود.

تنها در شرایطی خاص استثناء می پذیرد. موارد استثناء تنبیه کودک تحت دو عنوان کلی؛ تعزیر و تأدیب می باشد. هر چند بیشتر قریب به اتفاق فقها در تنبیه بدنی کودک این دو عنوان را تفکیک نکرده اند اما از آنجا که در برخی موارد خاص به آن اشاره نموده اند تفکیک این دو عنوان ضروری به نظر می رسد زیرا موارد، حکم، شرایط و بسیاری از لوازم این دو عنوان با هم متفاوت است و ثمرات عملی قابل توجهی در تفکیک این دو عنوان وجود دارد. علاوه بر این از آنجایی که فقها به طور مفصل این بحث را مطرح نکرده اند بسیاری از ضوابط و شرایط تنبیه بدنی کودک از جمله موارد، کیفیت، مرحله، افراد تنبیه کننده و مانند آن در کتب فقهی بررسی نشده است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم حقوق کودک در نظام بین المللی حقوق کودک که از متفرعات حقوق بشر به شمار می رود - شاخه ای نوپیدا است که با توجه به اهمیت آن و نیز استلزامات و اقتضائات دوره کودکی، مورد توجه خاص قرار گرفته و بابت مستقل برای آن گشوده شده است.

کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده در سه بخش است: ۴۱ ماده در بخش اول، ۴ ماده در بخش دوم و ۹ ماده در بخش سوم می باشد. مقدمه کنوانسیون شامل مبانی حقوق کودک و اهداف و مقاصد کنوانسیون (گسترش آزادی، عدالت و صلح جهانی) است که در آن از ضرورت توجه ویژه به حقوق کودک و اهمیت کانون خانواده در رشد جسمی و روحی کودک سخن به میان آمده و به پیشینه توجه به این حقوق در اعلامیه ها، میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی، به صورت مستقل یا در ضمن موضوعات دیگر، اشاره شده است. همه نمایندگان کشورهای حاضر در این اجلاس، از جمله نماینده ایران، به اعلامیه رأی مثبت دادند.

پیشینه توجه به حقوق کودک در عرصه بین المللی به دوران پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) بازمی گردد؛ در ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ جامعه ملل اعلامیه ای پنج ماده ای را به نام اعلامیه حقوق کودک که یک سازمان بین المللی غیردولتی آن را پیشنهاد داده بود - تصویب کرد. ولی در پی تضحیح گسترده حقوق کودکان، به ویژه در جنگ جهانی دوم، کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران، (۱۹۳۹-۱۹۴۵)، حمایت از آنها ضرورت بیشتری یافت؛ بنابراین، در اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۳۲۷ ش/ ۱۹۴۸)، به طور محدود به حقوق کودکان اشاره شد و سپس قطعنامه ای که پیش نویس آن را کمیسیون حقوق بشر تهیه کرده بود - در اجلاس ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ / ۲۸ آبان ۱۳۳۸ مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «اعلامیه حقوق کودک، ۱۹۵۹» به تصویب رسید.

این اعلامیه، وضع کودکان را در جهان بهبود بخشید، ولی دو اشکال عمده داشت: یکی این که همه جنبه های حقوق کودکان را پوشش نداده بود، دیگر آن که برای کشورها تعهدآور نبود. لذا مفاد آن به طور گسترده نقض می شد، زیرا هر چند در عرف بین المللی، کشورهایی که در مجمع عمومی سازمان ملل به اعلامیه ای رأی

آنچه که در این تحقیق بیان شد برمی آید که «کودک آزاری، عنوانی است عام و کلی که مجموعه ای از رفتارهای آسیب رسان را در برمی گیرد.

این مفهوم در ایران برای اولین بار در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ مورد توجه قرار گرفته است. مقنن در این لایحه از یافته های علوم روانشناسی و جرم شناسی استفاده نموده و در کنار اینها به مفاد کنوانسیون حقوق کودک نیز بی توجه نبوده است.

تفاوت دو مفهوم کودک آزاری و بزه دیدگی اطفال در این است که بزه دیدگی اطفال، جرائم علیه اطفال و در واقع رفتارهای آسیب رسانی را در بر میگیرد که وصف جزایی مستقل دارند اما کودک آزاری به طور کلی تمام رفتارهای آسیب رسان علیه کودکان را در بر می گیرد و نسبت به مفهوم بزه دیدگی اطفال عموم و خصوص مطلق می باشد.

در هر حال به نظر می رسد که قانونگذار ایران کودک آزاری را عنوان یک جرم مستقل دانسته است زیرا همان گونه که بیان شد، در ماده ۳۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر داشته: «تمام جرایم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته» بررسی و تحقیق در خصوص کودک آزاری در نظام کیفری ایران با توجه به حمایت های سیستم حقوقی ایران چه در قوانین ماهوی و چه در قوانین شکلی ممکن خواهد بود. اگر چه حمایت هایی در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در خصوص کودک آزاری شده ولیکن به نظر نگارنده و با توجه به تحقیق انجام گرفته این حمایت کافی نمی باشد.

ماده یک لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اشاره دارد به این که «کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام شمس ترسیده اند، از حمایت های مذکور در این قانون بهره مند می شوند، این ماده متأثر از تعهدات بین المللی و ماده یک کنوانسیون حقوق کودک می باشد. در این قانون در مورد خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب عمل خلاف از قبیل قاچاق ممنوع و مرتکب به زندان و جریمه محکوم می شود اگر چه پرداختن به موضوع قاچاق و به کارگیری کودکان در این خصوص یک نوآوری محسوب می شود ولیکن در سیرات این جرم با عمل ارتكابی هیچ تناسبی وجود ندارد چرا که برای یک چنین عمل و جرم سنگینی چنین مجازات

اسیکی نمی بایست لحاظ می شد. مقنن در ماده ۳۴ لایحه مذکور، کودک آزاری را از جرائم عمومی دانسته در حالی که تصریح این موضوع در ماده ۳۴ همین لایحه جایز نبوده چرا که در حقوق جزا اصل بر عمومی بودن جرائم است و آن چه نیاز به اسما و تصریح دارد قابل گذشت بودن جرائم می باشد. بنابراین با توجه به پژوهش یاد شده می بایست به سؤالات اصلی و فرضیه و همچنین سؤالات فرض و فرضیه های آن پاسخ داد و آن اینکه در بررسی موضوع و پژوهش حاضر، نظام تقنینی ایران در جهت حمایت از کودک در صورت نقض حقوقش از سوی اشخاصی مقرراتی را وضع کرده است که فرضیه اصلی به نوعی ثابت گردیده است. اما پیرامون فرضیه های دیگر از سؤالات فرض باید گفت انواع کودک آزاری و شقوق

مثبت داده اند، برای اجرای آن، مسئولیت اخلاقی دارند، ولی چنین مصوباتی به لحاظ حقوقی الزام آور نیست. از این رو، به تدریج اندیشه تدوین یک معاهده فراگیر بین المللی درباره حقوق کودک، شکل گرفت (۱۱).

در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴/۲۳ آذر ۱۳۵۳ «اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در مواقع اضطراری و برخوردهای مسلحانه»، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید (۱۲).

در ۱۳۵۷/ش/۱۹۷۸ دولت لهستان پیش نویس کنوانسیون را، مشتمل بر سازوکارهایی ویژه به منظور حمایت از کودکان، به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل پیشنهاد داد. سرانجام، پس از ده سال بحث و بررسی، این پیش نویس طی قطعنامه ای، در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹/۲۹ آبان ۱۳۶۸ (حدود سی سال پس از اعلامیه حقوق کودک) به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی رسید و «کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹» نام گرفت که از نظر پیوستن کشورها و لازم الاجرا شدن در کوتاه مدت، رکورد همه کنوانسیون های سازمان ملل را شکست و تنها در نخستین روزی که در معرض امضا گذاشته شد، ۶۱ دولت آن را امضا کردند. تا ۲۱ نوامبر ۲۰۰۴/اول آذر ۱۳۸۳، ۱۹۲ کشور به این کنوانسیون پیوستند و بالغ بر ۵۵ کشور، حق شرطهایی را به طور کلی یا جزئی (درباره برخی از مواد آن) اعلام کردند؛ از جمله آلمان، انگلیس، بلژیک، واتیکان و شماری از کشورهای اسلامی می باشد.

این توافقنامه حقوقی — که در راستای تحقق اصول و موازین حقوق بشر تدوین و تصویب شده — نخستین سند بین المللی است که در ابعاد گوناگون به حقوق کودکان توجه کرده و با سازوکارهایی، دولت ها را موظف کرده است به تعهدات خود در قبال آن وفادار باشند.

۱- اقدامات انجام شده در راستای کنوانسیون

جمع عمومی سازمان ملل متحد، به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی، به منظور اعطای کمک های اضطراری به کودکان و نوجوانان قربانی جنگ جهانی دوم، در دسامبر ۱۹۴۶/۱۳۲۵ ش سازمان «صندوق بین المللی سازمان ملل متحد» را تأسیس کرد. در دسامبر ۱۹۵۰/۱۳۲۹ ش، مأموریت این صندوق به دادن کمک های لازم به کودکان کشورهای در حال توسعه تغییر یافت و سرانجام در اکتبر ۱۹۵۳/۱۳۳۲ ش، با تصویب مجمع عمومی، این سازمان یکی از ارکان دائم سازمان ملل متحد شد و به «صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)» تغییر نام داد. ارکان یونیسف عبارت اند از: هیئت اجرایی، دبیرخانه و دفاتر منطقه ای (۱۲).

در ۱۳۷۵/۱۹۹۶ ش نیز، به منظور ارزیابی عملکرد دولت ها در قبال کنوانسیون، نخستین نشست سران دولت ها برگزار شد که در پی آن، «اعلامیه جهانی بقا، توسعه و حمایت از کودکان» تدوین شد و بر تأسیس کمیته حقوق کودک، متشکل از کارشناسان واجد صلاحیت کشورهای عضو، برای نظارت بر اجرای مفاد کمیسیون، توافق گردید.

نتیجه گیری

8. Sanei, Parviz, *General Criminal Law*, Tehran, Ganj Danesh Publications, Volume 2, 1376
9. Shamlou, Baqer, *Criminal Justice and Children*, Tehran, Jungle Publications, first edition, 2019
10. Abachi, Maryam, "Violated children in Faranid Criminal Court", p. 28
11. Shirin Ebadi, *Children's rights, a look at children's rights issues*, Vol. 1, p. 175
12. Taj Zaman Danesh, *juvenile and criminal proceedings in comparative law*, vol. 1, p. 29

آن در نظام کیفری ما در قالب آزار جسمی، جنسی، روحی و روانی و مریش بینی شده است و این قسمت فرضیه نیز ثابت گردیده است از جهتی نسبت به فرضیه دوم از سؤالات فرض باید گفت کودک آزار دیده در قوانین ماهری از جمله قانون مجازات اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. به عنوان مثال در قانون مجازات اسلامی در بند ب ماده ۲۹۲ و ماده ۲۵۱ تصریح شده است. از جهتی پیرامون فرضیه سوم نیز کودک آزار دیده مورد حمایت قانونگذار از جهت شکلی قرار گرفته است. وجود سیستم افتراقی از جمله تشکیل دادگاه اطفال و رسیدگی جدای از بزرگسال دلیل بر اثبات فرضیه سوم است یعنی اینکه مقنن با استفاده از سیستم افتراقی دادرسی شکل رسیدگی نسبت به اطفال را جدای از سایرین در نظر گرفته است. تبصره ماده ۳۱۲ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مقرر شده در تاریخ ۱/۴/۹۴ لازم الاجرا گردد یکی از حمایت های تقنینی به صورت شکلی از کودک آزار دیده است.

البته بدیهی است در برخی از جرائم کودک آزاری در قوانین کیفری ایران جرم انگاری خاصی نشده است و تحت عنوان کودک آزاری جنسی حمایت افتراقی از کودکان به عمل نیامده است از قبیل جرائم رنا، لواط تقبیله فاجعه و ... که قانونگذار حمایت کیفری کمتری از کودکان به عمل آورده و در برخی موارد مجازات این گونه جرائم در مقایسه با بزرگسالان یکسان و در برخی موارد کمتر از آن ها می باشد که در اینجا همت مسئولین ذیربط را می طلبد که با بررسی موضوع کودک آزاری و کارشناسی دقیق حمایت بی دریغ از این قشر سوم با تصویب قوانین و اعمال مجازات و ممانعت‌های محکم و سنگین و اراعر پذیر از شیوع بی رویه این گونه جرائم جلوگیری به عمل آیند.

References

1. Moin, Mohammad, Farhang Farsi, Tehran, Amirkabir Publications, 11th edition, 1
2. Marashi, Seyyed Mohammad Hassan, *New Perspectives in Islamic Criminal Law*, Tehran, Mizan Publishing, 2013
3. Naqadi Nejad, Mojtaba, *Prevention of child abuse*, p. 70
4. Najafi, Abrandabadi, Ali Hossein, *Protection of abused children in Iran's legal system*, *Judicial Law Journal*, p. 16
5. Beigi, Jamal, *Child Victimization in Iranian Law*, Tehran, Jangal Publications, 2014
6. Shambiati, Houshang, *delinquency of children and adolescents*, Tehran, Jungle Publications, first edition, 2019
7. Ardabili, Mohammad Ali, *General Criminal Law*, Tehran, Mizan Publishing House, Volume 2, 2013